



بصیرت‌آفرینی قرآن

سید قوام‌الدین حسینی
کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

چکیده

قرآن کریم مهم‌ترین منبع بصیرت دینی در کنار سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. این نوشتار پس از بررسی مفهوم بصیرت دینی و تدبیر و جایگاه آن در اندیشه دینی، تلاوت قرآن و تدبیر در آن را در کنار تقوا و طهارت ظاهری و باطنی، راه دستیابی به نور بصیرت قرآنی برشمرده و به برخی موانع فهم قرآن و گستره بصیرت قرآنی اشاره نموده است.
کلید واژه‌ها: بصیرت، تدبیر، تلاوت، ترتیل، طهارت، تفقه.

انسان موجودی مختار است و با علم و آگاهی راه نیک‌بختی یا شقاوت را در پیش می‌گیرد. انسان‌ها برای یافتن و پیمودن راه کمال و سعادت، نیازمند علم و بصیرتند تا حق را از باطل و هدایت را از گمراهی بازشناسند. امیال و خواهش‌های درونی، زیبایی و دلفریبی دنیا، مکر و فریب شیطان‌های درون و بیرون، پیوسته نور بصیرت و آگاهی را در انسان خاموش می‌کنند و باطل را در لباس حق در برابر او جلوه می‌دهند. هدف راهبردی انبیای الهی علیهم‌السلام و انزال کتب آسمانی یاری رساندن به انسان و روشن نگه داشتن نور بصیرت و آگاهی در وجود اوست. قرآن کریم و امامان معصوم علیهم‌السلام دو منبع پرفروغ بصیرتند که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خویش به یادگار گذاشت و همگان را برای یافتن حقیقت و در امان ماندن از گمراهی به تمسک به آن دو فرمان داد. پرسشی که پیش روی ماست این است که بصیرت دینی چیست و جایگاه آن در منظومه اندیشه ما کجاست؟ چگونه می‌توان از نور بصیرت قرآن بهره‌مند گشت؟ تدبیر چه نقشی در تابش بصیرت قرآنی دارد؟ تقوا و طهارت چه نقشی در فهم بهتر قرآن ایفا می‌کنند؟ موانع تدبیر و فهم قرآن کدام است؟ این‌ها پرسش‌هایی است که این نوشتار در صدد پاسخگویی به آنهاست.

تعریف واژگان

بصیرت در لغت به معنی دانایی، بینایی، بینایی دل، زیرکی، عبرت و یقین آمده است.^۱ راغب اصفهانی، ادراک قلبی را بصیرت و بصر می‌نامد.^۲ طریحی در مجمع البحرین در تعریف بصیرت گوید:

بصیرت دلالتی است که به وسیله آن هر چیز آن چنان که هست دیده می‌شود. بصیرت نور دل است چنان که بَصَر نور چشم‌هاست. بصیرت را از آن رو دلالت نامیده‌اند که حق را آشکار می‌سازد و حقیقت با آن دیده می‌شود.^۳

عارفان بصیرت را نیرویی قلبی می‌دانند که به نور قدس روشن گردیده و از پرتو آن حقایق و بواطن اشیاء دیده می‌شود، چنان که به وسیله چشم، صورت و ظواهر اشیاء دیده می‌شود.^۴

بصر، دیده ظاهر و بصیرت، دیده باطن آدمی است. عرفا و حکما با تکیه بر این معنا که انسان دارای دو چهره ظاهری و باطنی است از «حواس باطنی» در برابر



«حواس ظاهری» و «دیدۀ باطن» در برابر «دیدۀ ظاهر» سخن می‌گویند، دیدن ظاهر را به عهده دیدۀ ظاهر می‌نهند و برآنند که دیدن بواطن یا حقایق به عهده دیدۀ باطن است. آنان دیدۀ باطن و بصیرت را به نام‌هایی چون «دیدۀ دل»، «چشم خرد»، «چشم عقل»، «چشم دل» و «دیدۀ جان‌بین» نیز می‌نامند و بر این باورند که دریافت باطن را دیده جان‌بین باید،^۵ چنان که حافظ گوید:

دیدن روی تو را دیدۀ جان‌بین باید

این کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است

بصیرت دینی، ژرف‌نگری، روشن‌بینی و شناخت درست و عمیق آموزه‌های دینی است. بصیرت دینی در مراتب بالاتر ایمان به درک شهودی از حقایق هستی و معارف الهی می‌انجامد و بینایی دل و دید باطنی نام می‌گیرد. چنان که قرآن کریم، تقوا، یعنی عمل به آموزه‌های دینی را زمینه‌ساز تعلیم الهی،^۶ تشخیص حق از باطل^۷ و پی‌بردن به وسوسه‌های شیطان درونی و بیرونی^۸ می‌شمارد که از مصادیق روشن بصیرت دینی هستند.

طبق این معنا از بصیرت دینی، مؤمن افزون بر این که با دیدی عمیق و نافذ به متون دینی و آموزه‌های اسلامی می‌نگرد، با فراست و نور الهی در میان مردم قدم می‌نهد^۹ و مظاهر حقیقت را با روشن‌بینی در همه حوادث گوناگون زندگی و شئون حیات می‌یابد. واژه تدبّر به معنی اندیشه در عواقب امور و رموز آن است.^{۱۰} طبرسی در مجمع‌البیان در بیان تفاوت تدبّر و تفکر می‌گوید:

تدبّر، تصرف دل با اندیشه در نتایج امور و تفکر، تصرف دل با اندیشه در دلایل

آنهاست.^{۱۱}

این دو واژه در بیشتر موارد به یک معنا به کار می‌روند و ما نیز آن دو را به یک

معنا، یعنی «اندیشیدن» به کار می‌بریم.

جایگاه بصیرت در اندیشه دینی

رهبران الهی بدون داشتن فهمی عمیق از دین و چشم بصیرت باطنی نمی‌توانند به مقام نبوت و امامت راه یابند و پیشوایی مردم را به عهده بگیرند. خدای تعالی تلاش در مقام بندگی و بصیرت را از ویژگی‌های مهم انبیای بزرگ می‌شمارد و پیامبر اکرم ﷺ را به یادآوری آن فرمان می‌دهد:

وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ (ص: ۴۵)

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و با بصیرت بودند یاد نما.

علامه طباطبایی درباره این دو ویژگی انبیای بزرگ می نویسد:

صاحب دست و چشم بودن انبیای نامبرده، کنایه از آن است که آنان در طاعت خدا و

رساندن خیرات به مردم و شناخت اعتقاد و عمل درست، بسیار توانمند بودند.^{۱۲}

مبارزه با جهل و بی خردی از برنامه های راهبردی انبیای الهی است.^{۱۳} آنان

تلاش می کنند تا عقل و فطرت مردم را بیدار سازند و با آگاهی و بصیرت آنان را به بندگی خدا دعوت کنند.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (یوسف: ۱۰۸)

بگو: این راه من است و من و پیروانم همگان را با بصیرت به سوی خدا می خوانیم.

قرآن کریم ره آورد وحی را بصیرت آفرینی می شمارد و سود و زیان بصیرت و

کوروی از درک حقیقت را متوجه انسان می داند:

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا (انعام: ۱۰۴)

از سوی پروردگارتان برای شما نشانه های روشن آمد هر که از روی بصیرت می نگرد

به سود اوست و هر که چشم بصیرت بر هم نهد به زیان اوست.

آموزه های اسلامی همه مؤمنان را به تفکر در عرصه های گوناگون اندیشه دینی دعوت

می کنند و آنان را به تفقه و فهم عمیق دینی فرا می خوانند. «بیش از سیصد آیه از قرآن

کریم به تفکر، تذکر و تعقل دعوت می نماید و راه درست اندیشیدن را می آموزد».^{۱۴}

علامه طباطبائی^{۱۵} درباره جایگاه بصیرت و آگاهی در اندیشه و عمل دینی می گوید:

خدای تعالی در جایی از کتابش حتی در یک آیه از آن از بندگان نخواست که

کورکورانه به او یا یکی از معارف الهی ایمان آورند یا راهی را ناآگاهانه طی کنند حتی

شرایع و احکامی که برای بندگان واجب ساخته و عقل آنان راهی برای دریافت

ملاکات آن ندارد، تعلیل کرده و آثار آن را بیان ساخته است.^{۱۵}

قرآن کریم با تأکید بر نقش فهم و بصیرت دینی در احیای همه آموزه های

اسلامی مؤمنان را از حرکت همگانی برای جهاد باز می دارد و آنان را به علم آموزی

و بصیرت بخشی به دیگران فرا می خواند.

و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از

آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی

آنان بازگشتند بیم دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟^{۱۶}



امام کاظم علیه السلام تفقه و فهم عمیق دینی را رمز بصیرت‌ورزی و دست‌یافتن به حقیقت عبادت و مقامات والای دینی می‌شمارد:

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَانِ الْفَقْهَ مُفْتاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَالسَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ
وَالرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا^{۱۷}

دین خدا را به درستی بشناسید؛ زیرا فهم دینی کلید بصیرت و تمام عبادت و راه رسیدن به مقامات والای دینی و دنیایی است.

امام باقر علیه السلام نیز تکامل حقیقت ایمان را در پرتو فهم دینی ممکن می‌داند.^{۱۸} آموزه‌های دینی در عرصه‌های گوناگون معرفتی، اخلاقی و رفتاری آنگاه برکات واقعی خود را در تربیت و تکامل انسان آشکار می‌سازد که با فهم عمیق و بصیرت همراه گردند. دین‌ورزی بدون بصیرت پیامدی جز گمراهی و دوری از مقصد ندارد. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا^{۱۹}
آن که بی‌بصیرت عمل کند همانند کسی است که در بیراهه حرکت کند که سرعت گرفتن در آن جز دوری از مقصد ثمری برایش ندارد.

از این‌رو، کج فهمی‌ها و نداشتن بصیرت دینی پیروان، از چالش‌های اساسی پیش روی انبیا و رهبران الهی بوده است. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:
پشتم را نشکست مگر دو نفر، عالمی بی‌باک و جاهلی عبادت‌کننده. اولی بابی باکی خود مردم را از حق دور می‌سازد و دومی با عبادت خویش مردم را به باطل خویش می‌خواند.^{۲۰}

تقوا شرط بصیرت دینی

بصیرت دینی گونه‌ای بینایی قلبی و دیده باطنی است که آدمی را در شناخت حقیقت و مظاهر آن در عرصه‌های گوناگون زندگی یاری می‌دهد. اندیشه‌ورزی و علم‌آموزی اگرچه گامی مؤثر در راه رسیدن به چنین بصیرتی است ولی به تنهایی کافی نیست. عمل به دستورات الهی قلب و جان مؤمن را نورانی می‌سازد و او را از بینشی نافذ برخوردار می‌کند. با چنین نگاهی، قرآن کریم تقوا را راه وصول به علوم ربانی،^{۲۱} فرقان^{۲۲} [تشخیص حق از باطل] و وسیله دشمن‌شناسی می‌شمارد:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف: ۲۰۱)

کسانی که پرهیزگارند چون از شیطان وسوسه‌ای به آنها برسد خدا را یاد می‌کنند، دردم بصیرت یابند.

امام صادق علیه السلام به عنوان بصری که در سنین پیری در پی علم آموزی بود، فرمود: حقیقت علم و بصیرت دینی تنها از راه دانش آموزی به دست نمی‌آید؛ بلکه حقیقت علم نوری است که خدای تعالی در قلب مؤمن می‌افکند.^{۲۳}

امام پس از آن راه دست یافتن به چنین علم و بصیرتی را، در پیش گرفتن طریق عبودیت، عمل کردن به دانسته‌ها و درخواست دانش از خدای متعال، معرفی می‌کند. بنابر این، دین‌شناسی و اندیشه‌ورزی در کنار تقوا و عمل به آموزه‌های وحیانی از عوامل ایجاد بصیرت دینی هستند.^{۲۴}

منابع بصیرت دینی

براساس سخنی که شیعه و سنی به تواتر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند،^{۲۵} قرآن و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو منبع اصیل فهم و بصیرت دینی‌اند. بنا بر این سخن، قرآن و عترت همواره در کنار یکدیگر خواهند بود و تا هنگامی که مسلمانان به قرآن و عترت در حوزه‌های گوناگون معرفت‌شناسی، ارزشی و رفتاری پایبند باشند از گمراهی در امان خواهند بود.

حقیقت قرآن نزد حضرات معصومین علیهم السلام است و آنها الگوهای عملی تربیت قرآنی و مخزن اسرار و معارف قرآن و مفسران واقعی آن هستند. با درک درست و پیروی از آموزه‌های قرآنی و آنچه در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصومین علیهم السلام آمده است می‌توان به بصیرت دینی دست یافت و از کجروی‌ها در امان بود.

یعقوب بن اسحاق کندی معروف به فیلسوف عرب در زمان امام حسن عسکری علیه السلام کتابی درباره تناقضات قرآن نگاشت. یکی از شاگردان وی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید. امام به وی گفت: آیا مرد رشیدی در میان شما نیست تا استادتان را از این کار بازدارد؟ آن مرد گفت: ما از شاگردان وی هستیم، چگونه می‌توانیم با وی مخالفت ورزیم؟ آنگاه امام به وی فرمود: نزد اسحاق برو، با وی انس بگیر و در اثناء سخن از وی بپرس: آیا احتمال می‌دهی آنچه تو از قرآن یافتی مقصود خدای متعال نباشد؟ او مردی سخن‌فهم است، می‌گوید: احتمال می‌دهم. آنگاه از وی



بپرس: شاید خدای متعال غیر آنچه را تو پنداشتی قصد کرده باشد. آن مرد نزد اسحق رفت و این سخن را به وی گفت. اسحق با اندیشه در این سخن رو به آن مرد کرد و گفت: تو را قسم می‌دهم که بگویی این سخن از کیست؟ زیرا؛ مثل تو نمی‌تواند چنین سخن بگوید. پس از اصرار وی آن مرد گفت: این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام است. آنگاه اسحاق گفت: مثل چنین سخنی جز از این بیت بیرون نمی‌آید. دستور داد آتشی افروختند و تمام آنچه نگاشته بود در آتش سوزاند.^{۲۶}

بصیرت قرآنی

قرآن کریم خود را به اوصافی چون نور مبین،^{۲۷} تبیان کل شی،^{۲۸} کتاب مبین،^{۲۹} ذکر^{۳۰} و موعظه^{۳۱} و بصائر^{۳۲} وصف می‌کند. این اوصاف از بیداری بخشی و بصیرت آفرینی قرآن حکایت می‌کنند:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ
وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مانده: ۱۵ و ۱۶)

از جانب خدا نوری و کتابی روشن بر شما نازل شده است. تا خدا بدان هر کس را که در پی خشنودی اوست به راه‌های سلامت هدایت کند و به فرمان خود از تاریکی به روشنایی‌شان ببرد و آنان را به راه راست هدایت کند.

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (نحل: ۸۹)

ما قرآن را که بیان‌کننده هر چیزی است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است بر تو نازل کرده‌ایم.

مفسران قرآن تصریح کرده‌اند که چون قرآن کتاب هدایت است، هر آنچه را برای هدایت و نجات انسان‌ها لازم است، بیان کرده است.^{۳۳} در روایات آمده است که قرآن تبیان برای هر چیزی است. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

به درستی که من می‌دانم آنچه که در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و می‌دانم آنچه که در بهشت است و می‌دانم آنچه را که در آتش است، و می‌دانم آنچه تاکنون بوده و آنچه که تا قیامت خواهد بود.

امام پس از این سخن لحظه‌ای سکوت کرد و احساس کرد که این سخنان بر

شنوندگان گران آمده است، سپس فرمود:

همه این‌ها را از کتاب خدای بزرگ می‌دانم، زیرا خداوند تعالی درباره کتابش فرمود:

فیه تبیانٌ کل شیء ۳۴

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

اگر مقصود از «تبیان» در این آیه دلالت لفظی و متعارف نباشد، طبق این روایات

می‌توان از بطون و اشارات قرآن به همه حقایق هستی پی برد. ۳۵

خدای تعالی قرآن کریم را مایهٔ تذکر قرار داده و مؤمنان را به پندگیری از آن

دعوت می‌کند:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (قمر: ۱۷)

قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟

راه دستیابی به بصیرت قرآنی

نخستین گام در بهره‌بردن از نور و هدایت قرآن و بازشدن چشم بصیرت، تلاوت و تدبّر در آیات قرآن کریم است.

خدای تعالی افزون بر تأکید مکرر بر تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی، هدف نزول قرآن را تدبّر، تذکر و پندگیری از آن معرفی می‌کند و مؤمنان را به تدبّر در قرآن فرا می‌خواند:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ص: ۲۹)

کتابی مبارک است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش بیندیشید و خردمندان از آن پندگیرند.

طبرسی در مجمع‌البیان می‌گوید: این سخن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهرت یافته است که چون آیات: ان فی خلق السموات و الارض... (سوره بقره، ۱۹۰-۱۹۱) نازل گردید، فرمود:

ویل لمن لا کها بین فکیه ولم یتأمل ما فیها ۳۶

وای بر کسی که این آیات را در دهانش بگرداند [بخواند] و در آنچه در آن آمده نیندیشد.

فراوان بوده‌اند کسانی که با شنیدن آیه‌ای از قرآن کریم و اندیشه در آن بصیرت یافته و دگرگون گشته‌اند. فضیل بن عیاض در آغاز، راهزنی بود که همه از او در وحشت بودند. شبی از دیوار خانه‌ای بالا می‌رفت؛ از کسی شنید که تلاوت می‌کرد:



أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حدید: ۱۶)

آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده که دل‌هایشان برای یاد خدا و آن سخن حق که نازل

شده است، خاشع شود؟

این آیه در جان فضیل نفوذ کرد و او را به خود آورد و بیدار ساخت. گفت: قسم به خدا که وقت آن رسیده است و از همانجا مسیر زندگانش را عوض کرد و راه عبادت و زهد پیش گرفت.^{۳۷}

عالمان مسلمان با تأسی و یاری گرفتن از سیره و سخنان پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام، آداب گوناگون ظاهری و باطنی برای تلاوت قرآن بیان کرده‌اند. رعایت این آداب فکر و جان قاری را برای دریافت پیام الهی و تابش نور بصیرت آماده می‌سازد.

وضو داشتن هنگام تلاوت قرآن، نشستن با ادب و احترام روبه قبله، پناه‌بردن به خدا از شیطان، ترتیل و گریه، برخی از آداب ظاهری تلاوت قرآن هستند. درک عظمت سخن حق و لطف و رحمت او به بندگان در نزول قرآن، رعایت محضر خدای تعالی که قرآن کلام اوست، حضور قلب و پرهیز از پراکندگی فکری و قلبی، تدبیر در معانی سخن حق، خود را مخاطب قرآن قرار دادن، تأثیر پذیرفتن از آیات خوف و رجاء، ارتقاء در تلاوت قرآن تا به آن درجه که گویا قاری، قرآن را از خدای متعال می‌شنود، از جمله آداب باطنی تلاوت قرآن است.^{۳۸}

تدبیر از جمله آداب مهم تلاوت قرآن است که بدون آن نمی‌توان به بصیرت رسید. خدای تعالی پیامبر اکرم ﷺ را به ترتیل در تلاوت قرآن دعوت می‌کند، چرا که^{۳۹} خواندن قرآن به آرامی و ترتیل زمینه را برای اندیشه در آن فراهم می‌سازد.^{۴۰} عالمان اخلاق تکرار آیات قرآن را در نماز و غیر آن برای تدبیر بیشتر در آن سفارش می‌کنند.^{۴۱}

ابودر می‌گوید:

پیامبر اکرم ﷺ ما را برای نماز شب بیدار می‌ساخت. پیامبر ﷺ شبی به نماز ایستاد و

آیه کریمه «إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^{۴۲} را

تکرار می‌کرد.^{۴۳}

تکرار برخی آیات قرآن در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام نیز آمده است. زهری می‌گوید:

امام سجاد علیه السلام فرمود: اگر تمام اهل زمین بمیرند و من تنها بمانم وحشتی به من دست نمی‌دهد پس از آن که قرآن با من است و امام آنگاه که «مالک یوم الدین» را می‌خواند این آیه را تکرار می‌کرد تا آنجا که نزدیک بود روح از بدنش خارج گردد.^{۴۴}

گفتنی است حقیقت انسانی تنها در حواس ظاهری و باطنی و عقل و اندیشه او خلاصه نمی‌گردد. حقیقت انسان را قلب و روح و سرّ وجودی او می‌سازند و حواس ظاهری و باطنی و عقل و خیال از شئون و مراتب پایین‌تر وجود او هستند. از این نگاه، در تلاوت قرآن و تدبّر در آن برای رسیدن به عمق سخن خدا، افزون بر حواس ظاهری و باطنی باید با تمام هستی و قلب و روح در محضر خدای تعالی و در خدمت قرآن بود.

یکی از اسرار تکرار آیات قرآن کریم در نماز و غیر آن در سیره حضرات معصومین علیهم السلام در این نکته نهفته است. روایت شده که امام صادق علیه السلام در نماز تلاوت قرآن می‌کرد و مدهوش می‌شد چون به خود می‌آمد از آن حضرت سببش را می‌پرسیدند می‌فرمود:

پیوسته آیات قرآن کریم را تکرار می‌کردم تا به حالتی رسیدم که گویی آیات را از سوی نازل‌کننده آن به عیان شنیدم و توان بشری مکاشفه جلال الهی را تاب نیاورد.^{۴۵}

تقوا و طهارت شرط فهم قرآن

تلاوت قرآن و اندیشه در آن قاری را در آستانه فهم معارف بلند سخن حق قرار می‌دهد ولی برای راه‌یابی به چشمه‌سار زلال آن، تلاوت تنها کافی نیست. آنگاه که تلاوت و تدبّر در قرآن قرین تقوا و طهارت گردد، تابش انوار قرآن آغاز می‌شود. تقوا و طهارتِ فکر و جان دو شرط مهم در بصیرت قرآنی است.

قرآن کتابی ساده و معمولی نیست تا انسان بتواند بر اثر آشنایی با قواعد عربی و مانند آن به همه معارفش دست یابد؛ کتابی است که ریشه در اوج آسمان دارد و از علم خداوند سرچشمه می‌گیرد و درک معارف بی‌انتهای آن بدون نردبان تقوا و ارتباط با خدا امکان‌پذیر نیست. اگرچه چشم و گوش و حواس انسان در بهره‌مندی از علم دخالت دارند ولی جانِ علم و مخزن اصلی آن همان قلب است و خدای سبحان علم الهی را به قلب کسی القاء و الهام می‌کند که با نیروی تقوا از سلامت و طهارت لازم برخوردار باشد.^{۴۶}



چنان‌که ظاهر قرآن را بدون طهارت ظاهری و غسل و وضوء نمی‌توان دست زد، معارف بلند و بطون قرآن را نیز نمی‌توان بدون طهارت باطنی لمس کرد، چنان که خود می‌فرماید:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۷-۷۹)

که این قرآن ارجمند است، در نوشته‌ای فروپوشیده، که جز پاکان رابه آن دسترس نیست. قرآن ریشه و اصلی دارد به نام کتاب مکنون که این قرآن در آن کتاب مکنون و مرتبط با آن است. معانی اولیه الفاظ قرآن را می‌توان با طهارت ظاهری از قرآن استفاده کرد ولی درک معارف بلند کتاب مکنون امکان‌پذیر نیست مگر با طهارت باطنی و قلبی. اگر کسی بخواهد با ظاهر قرآن در تماس باشد بدون طهارت و غسل و وضوء نمی‌شود، حتی نمی‌تواند آیات آن را ببوسد اما ارتباط با محتوای عمیق قرآن و با جان و باطن، نیاز به قلبی سلیم و جانی با طهارت دارد.^{۴۷}

از این نگاه اهل بیت عصمت علیهم‌السلام که اراده الهی بر طهارت آنان از هر رجس و ناپاکی قرار گرفته است^{۴۸} از کتاب مکنون و اسرار معارف قرآن باخبرند. عالم و عارف بزرگ شیعی ملامحمد تقی مجلسی می‌گوید:

شبی در حالتی بین خواب و بیداری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیدم. با خود گفتم در کمالات و اخلاقشان اندیشه کنم. هر چه می‌اندیشیدم، عظمت و نورانیتش برایم آشکار می‌گشت، تا بدان جا که نور وجودش تمام عالم را فراگرفت و من به خود آمدم. به قلبم الهام شد که قرآن خُلق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، پس شایسته است در آن اندیشه کنم. قرآن را گشودم هر چه در یک آیه می‌اندیشیدم، حقایق بیشتری برایم آشکار می‌گشت تا جایی که علوم بی‌انتهایا به یکباره بر قلبم وارد می‌شد. در هر آیه‌ای می‌اندیشیدم، چنین بود.^{۴۹}

تلاوت شایسته قرآن در پرتو تدبّر و تقوا

خدای تعالی از کسانی خبر می‌دهد که قرآن را چنان که شایسته است تلاوت می‌کنند:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ (بقره: ۱۲۱)

امام صادق علیه‌السلام در معرّفی «حق تلاوت» و تلاوت شایسته قرآن می‌فرماید:

آیاتش را روشن و شمرده می‌خوانند، سعی می‌کنند معنایش را بفهمند، و احکام و فرامینش را به کار می‌بندند، به وعده‌اش امیدوارند، از عذابش می‌ترسند، از داستان‌هایش سرمشق می‌گیرند، از مثل‌هایش پند می‌گیرند، امرهایش را به جا می‌آورند و از نهی‌هایش دوری می‌کنند. به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سرهم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره‌های آن نیست. حروف و کلماتش را حفظ می‌کردند و حدود و معنایش را فرو می‌گذاشتند، بلکه به تدبّر و تأمل در آیات آن است؛ خدای متعال می‌فرماید: «کتابی است خجسته که به سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبّر کنند.»^{۵۰}

سیره پیشینیان که توفیق تدبّر و فهم قرآن نصیب آنان می‌گردید این بود که نخست ده آیه را از پیامبر اکرم ﷺ تعلیم می‌دیدند و تا آنچه را از معارف علمی و دستورات عملی مربوط به آن ده آیه را به خوبی فرا نمی‌گرفتند وارد آیات دیگر نمی‌شدند.^{۵۱}

گاه چنان بارقه‌ای از سوی خداوند در دل آنان اثر می‌کرد که رسول خدا ﷺ از آنان به «فقیه» نام می‌برد. شخصی نزد پیامبر ﷺ آمد تا به او قرآن بیاموزد وقتی به آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^{۵۲} رسید، گفت: این کلام برای من کافی است و به سوی زادگاهش بازگشت. پیامبر اکرم ﷺ درباره او فرمود: این مرد بازگشت در حالی که فقیه است؛^{۵۳} یعنی با فهم و بصیرت بازگشت.

موانع نور بصیرت قرآن

قاری برای بهره بردن از نور معرفت و بصیرت قرآن باید با تمام شئون هستی خود در خدمت قرآن کریم باشد. شایسته است حواس ظاهری و باطنی و فکر و قلب خود را از پلیدی‌های و موانع فهم و تابش نور بصیرت قرآن پاک گرداند تا فکر و جانش به نور قرآن نورانی گردد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

اگر شیطان‌ها بر قلب بنی آدم احاطه نمی‌یافتند، ملکوت هستی را می‌یافتند.^{۵۴}

دریافت ملکوت قرآن کریم نیز بدون کنارزدن پلیدی‌های شیطان جن و انس از فکر و جان انسان میسر نخواهد بود.

سنایی غزنوی در این باره چه زیبا سرود:



عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد

که دارالملک ایمان را مجرّد بیند از غوغا

عجب نبودگر از قرآن نصیبت نیست جز نقشی

که از خورشید جز گرمی نیابد چشم نابینا^{۵۵}

برخی از موانع فهم قرآن عبارتند از:

۱. ناآشنایی به زبان قرآن و توجه کافی نکردن به ترجمه‌های فارسی.

۲. زیاده‌روی در توجه به آداب قرائت و مخارج حروف و بی‌عنایتی به معانی و

معارف آن.

۳. محدود ساختن بی‌منطق قرآن به یک معنا و انس گرفتن و تعصب ورزیدن بر

آن.

۴. پیش داوری و حمل کردن آرای شخصی بر قرآن که از آن به «تفسیر به رأی»

نام می‌برند.

۵. بی‌توجهی به درس آموزی از قرآن کریم و عمل نکردن به فرامین آن.

امام خمینی علیه السلام راه استفاده از قرآن را داشتن روحیه درس آموزی از قرآن

می‌داند:

مطلب مهمی را باید در نظر بگیری که با توجه به آن راه استفاده از کتاب شریف بر تو

باز شود و ابواب معارف و حکم بر قلبت مفتوح گردد و آن این است که به کتاب شریف

الهی نظر تعلیم داشته باشی و آن را کتاب تعلیم و افاده بدانی و خود را موظف به

تعلّم و استفاده بدانی.^{۵۶}

۶. ارتکاب گناهان، داشتن صفات ناپسند و پیروی از هواهای نفسانی.

هر یک از این امور دل را تاریک می‌سازد و نورانیت و صفای باطن را برای درک

معارف قرآن از بین می‌برد. خدای تعالی متکبران را از فهم آیات الهی محروم می‌سازد^{۵۷}

و پیروی هواهای نفسانی را باعث تاریکی دل و بسته شدن چشم بصیرت می‌شمارد.^{۵۸}

گستره تدبّر در قرآن

قرآن کریم معارف گسترده‌ای را در حوزه‌های گوناگون معرفتی از خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی تا سرگذشت اقوام و انبیاء گذشته و

- راه و رسم عبودیت و سیر و سلوک، پیش روی ما قرار می‌دهد. امام خمینی علیه السلام فهرستی از مطالب مهم قرآن را چنین بیان می‌دارد:
۱. دعوت به معرفت‌الله و بیان معارف الهیه.
 ۲. دعوت به تهذیب نفوس و بیان کیفیت سلوک الی الله.
 ۳. سرگذشت انبیاء، کیفیت تربیت آنان از سوی خدا، کیفیت تربیت مردم و چگونگی سیر و سلوک آنان.
 ۴. حکمت‌ها و مواظب الهی.
 ۵. بیان احوال کفار و منافقین و دشمنان انبیاء و عواقب آنها از جمله ابلیس.
 ۶. قوانین شریعت و آداب و سنن الهی.
 ۷. احوال معاد و براهین اثبات آن و کیفیت عقاب و ثواب و تفصیل بهشت و جهنم.
 ۸. براهینی که خدای متعال برای اثبات معارف حقه یا خود اقامه کرده یا از انبیا حکایت نموده است.^{۵۹}

با کنار زدن موانع فهم قرآن و تدبّر درست در هر یک از حوزه‌های معارف قرآنی می‌توان به گونه‌ای از بصیرت قرآنی دست یافت.

جمع‌بندی

بصیرت دینی فهم عمیق دینی و بینایی و دید نافذی است که از شناخت درست و عمل به آموزه‌های دینی به دست می‌آید. قرآن کتاب هدایت و مهم‌ترین منبع بصیرت بخشی و آگاهی‌آفرینی است. برای بهره‌بردن از نور بصیرت و آگاهی قرآن باید موانع و حجاب‌های فهم قرآن را از فکر و جان کنار زد و با تقوا و طهارت دل و رعایت آداب ظاهری و باطنی به تلاوت و تدبیر در ابواب گوناگون معارف قرآن پرداخت. بی‌توجهی به حجاب‌ها و موانع، رعایت نکردن آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن و اندیشه نکردن در معارف بلند قرآن موجب محرومیت از نور بصیرت قرآنی است.

پی‌نوشتها:

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۶۶.
۲. مفردات راغب، ص ۴۶.
۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۰۶.
۴. اصطلاحات الصوفیه، کمال‌الدین عبدالرزاق قاشانی، تحقیق دکتر محمدکمال ابراهیم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ه. ش، ص ۳۷.



۵. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۷۱.
۶. بقره (۲)، آیه ۲۳۳.
۷. انفال (۸)، آیه ۲۹.
۸. اعراف (۷)، آیه ۹۶.
۹. حدید (۵۷)، آیه ۲۸.
۱۰. الکلم الطیب (نثر طوبی)، علامه شعرانی، ذیل ماده دَبْر.
۱۱. مجمع البیان، طبرسی، بیروت، الحیاة، ج ۲، ص ۱۷۱.
۱۲. المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۱.
۱۳. حکمت آموزی از اهداف راهبردی انبیا است که قرآن از آن به خیر کثیر نام می برد (بقره: ۲۶۹). امام صادق علیه السلام حکمت را به تفقه و فهم عمیق دینی معنی می کند. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۵).
۱۴. المیزان، ج ۶، ص ۲۵۵.
۱۵. همان.
۱۶. توبه (۹)، آیه ۱۲۲.
۱۷. الحیاة، محمدرضا حکیمی، ج ۱، ص ۵۶.
۱۸. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۰.
۱۹. کافی، ج ۱، ص ۴۳.
۲۰. شرح غرر الحکم، خوانساری، ج ۶، ص ۹۸.
۲۱. بقره (۲)، آیه ۲۳۳.
۲۲. انفال (۸)، آیه ۲۹.
۲۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.
۲۴. همان.
۲۵. غایة المرام، ج ۲، ص ۳۲۲؛ بحرانی در غایة المرام این حدیث و با ۳۹ طریق از عامه و ۲۷ طریق از شیعه نقل می کند؛ همان، ص ۳۰۴-۳۶۷.
۲۶. مناقب آل ابی طالب، ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، بیروت، دار اضاء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۴، ص ۴۵۷.
۲۷. نساء (۴)، آیه ۱۷۴.
۲۸. نحل (۱۶)، آیه ۸۹.
۲۹. مائده (۵)، آیه ۱۵.
۳۰. حجر (۱۵)، آیه ۹.
۳۱. یونس (۱۰)، آیه ۵۷.
۳۲. اعراف (۷)، آیه ۲۰۳.
۳۳. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۵.
۳۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱، ط بیروت.
۳۵. ر.ک. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۵.
۳۶. مجمع البیان، ج ۲، جزء سوم، ص ۲۹۷.
۳۷. تفسیر روح البیان، شیخ اسماعیل حقی بروسوی، ج ۹، ص ۳۶۵؛ سفینه البحار، آقا شیخ عباس قمی علیه السلام، ج ۷، ص ۱۰۳. کتب رجال فضیل را یکی از روایان موثق از امام صادق علیه السلام و از زهاد معروف معرفی می کنند. کتاب «مصباح الشریعة» درباره روایات امام صادق علیه السلام منسوب به اوست، وی در پایان عمر در جوار کعبه می زیست و همانجا در روز عاشورا بدرود حیات گفت.
۳۸. حقایق، ملامحسن فیض کاشانی، ص ۲۴۸-۲۵۷.

۳۹. مزمل (۷۳)، آیه ۴.

۴۰. حقایق، ص ۲۵.

۴۱. همان.

۴۲. مائده (۵)، آیه ۱۱۸؛ اگر آنان را عذاب کنی بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی تو پیروزمند حکیمی.

۴۳. حقایق، ص ۲۵۰.

۴۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲؛ تکرار برخی از آیات و سوره‌ها به تعداد معین در نمازهای مستحبی وارد شده

است، همانند تکرار دویست بار سوره توحید در نماز حضرت علی علیه السلام یا تکرار دویست بار ایاک نعبد و

ایاک نستعین در نماز امام زمان علیه السلام.

۴۵. چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۴۳۴، به نقل از: کتاب فلاح السائل، علی ابن طاووس، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۴۶. تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیه‌الله جوادی آملی، قرآن در قرآن، ج ۱، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰.

۴۷. تفسیر موضوعی قرآن، ص ۳۷۱.

۴۸. احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۴۹. روضة المتقین، ملا محمد تقی مجلسی، ج ۱۳، ص ۱۲۷.

۵۰. میزان الحکمة، مهدی ری شهری، با ترجمه فارسی، ج ۳، ص ۴۸۲۴.

۵۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ بیروت، ج ۸۹، ص ۱۰۶.

۵۲. زلزلال (۹۹)، آیه ۷-۸.

۵۳. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷.

۵۴. همان، ج ۵۶، ص ۱۶۳.

۵۵. دیوان حکیم سنایی غزنوی، به اهتمام مدرس رضوی، انتشارات کتابخانه سنایی، ص ۵۲.

۵۶. آداب الصلوة، امام خمینی علیه السلام، ص ۱۹۲.

۵۷. اعراف (۷)، آیه ۱۴۶.

۵۸. جائیه (۴۵)، آیه ۲۳.

۵۹. آداب الصلوة، امام خمینی علیه السلام، ص ۱۸۴ و ۱۹۰.